

لم

نوع حرف

حرف اجزم

لنفي المضارع و قلبه ماضياً

قولہ تعالیٰ

لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ (الإخلاق / 13 آية)

و قول الكميت

أَلَمْ تَرَ يَ مِنْ حَبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) أَرْوَحُ و أُعْذُو خَائِفًا أَتَرَقَّبُ

ترجمه

آیا مرا ندیدی که از عشق آل محمد صلوات الله عليهم مدام در حال برگشتن و رفتن هستم در حالی که ترسان و در حال انتظار به سر می برم

مثال

اصناف

ملفی از عمل

و قد يرتفع الفعل المضارع بعدها

كقولہ

لولا فوارس من نعم و أسرتهم يوم الصليفاء لم يوفون بالجار

ترجمه

صليفاء تصغير صلفاء به معنای زمین سفت است و يوم الصليفاء یکی از ایام عرب است

اگر اسب سواران از قبیله ناعم و خانواده های آنان در روز صليفاء نمی بودند با هم پیمانانشان فاء نکرده بودند

اقوال در این قسم

فقيل: ضرورة

این قول قول فارسی است از باب تشبیه لم به لا

یعنی اختصاص به ضرورت شعری دارد

و قال ابن مالك لغة

لغة

كقراءة بعضهم أي أبي جعفر المنصور

أَلَمْ تَشْرَحْ (الشرح / 1)

و زعم اللججاني أن بعض العرب ينصب بها

نصبه

و خرج علي أن الأصل

بررسی توجیه توسط ابن هشام

و فی اهداء التخریج شدوذان

نشرحن

ثم حذف نون التوكيد الخفيفة

و بقيت الفتحة دليلاً عليها

توجیه آیه شریفه در نزد مخالفین ناصب بودن لم

پنج توجیه دیگر از علماء نسبت به نصب نشرح وجود دارد که به حاشیه خطیب رجوع گردد

توكيد المنفى ب «لَمْ»

در حالی که فعل مضارع منفی به لم مؤکد به نون نمی شود زیرا به معنای ماضی است و فعل ماضی مؤکد به نون تأکید نمی گردد و فقط منفی به لا آنها به خاطر شباهتش به لای ناهیه مؤکد به نون می گردد

و حذف النون لغير وقف و لا الالتقاء ساکنین

دو نکته در لم

فاصله بین لم و مجزومش

و قد تفصل [لم] من مجزومها في الضرورة بالظرف

كقولہ

فذاك ولم - إذا نحن أمترينا - تكن في الناس يدر كك المراء

مثال

دماینی ظرف اذا متعلق به يدر كك است

ترجمه پس آن طور [باش] و زمانی که ما شک کردیم طوری نباش که مرء و جدل تو را در یابد و در خود غرق کند

وقوع اسم بعد از لم

و قد يليها الاسم معمولاً لفعل محذوف

بفسره ما بعده

كقولہ

ظننت فقيراً إذا غني ثم نلته فلم إذا رجاء ألقه غير واهب

مثال

نکته عبارتی ظن مفعولی است ت نائب فاعلش و ذا مفعول دومش می بشاد؛ ألقى فعل مضارع از باب فَعِلَ يَفْعَلُ است که مجزوم به حذف یاء گشته است

شاهد مثال ذا رجاء مفعول به برای فعل القی مقدر است که توسط القی مذکور تفسیر شده است

ترجمه من صاحب غنی گمان برده شدم در حالی که فقیر بودم سپس به غنا دست پیدا کردم

جمع بندی

لم حرف جزم و نفی و قلب کننده مضارع به ماضی است و گاهی جزم نمی دهد و گاهی نیز نصب می دهد و هیچ گاه بین لم و فعل مضارع چیزی فاصله نمی شود مگر در ضرورت شعری و هیچ گاه بعدش اسم قرار نمی گیرد مگر اینکه معمول فعل مقدر باشد